

گوشمالی به سهل انگاری قلم

در حاشیه (شیراز سالهای بیست)

رضا شاپوریان

تاریخ ۱۴ اردیبهشت سال ۱۲۹۳ شمسی در شیراز متولد شد و در تاریخ ۲۳ تیر ماه ۱۳۶۵ شمسی در تهران چشم از حیات فرو بست. بدین ترتیب مدت زندگی پُر سوز و گداز و مشحون از ماجراهای عشقی و عاطفی اش ۷۲ سال بوده است. در مهر ماه سال ۱۳۱۳ وارد دانشسرای عالی شد و در خرداد ۱۳۱۶ به عنوان شاگرد اول کلاس به دریافت درجه لیسانس دبیری در رشته ادبیات فارسی نائل آمد. (۲) در مهرماه ۱۳۱۶ به شیراز مراجعت کرد و در مدارس متوسطه این شهر، بویژه، رشته ادبی دبیرستان سلطانیه به تدریس پرداخت. در مهر ماه ۱۳۱۷ برای انجام خدمت سربازی وارد دانشکده افسری شد و در مهرماه ۱۳۱۸ با درجه ستوان دومی به شیراز بازگشت و سال دوم خدمت خود را در دادگاه نظامی ارتش گذراند. در مهر ماه ۱۳۱۹ دوران خدمتش تمام شد و با وصف بر این که رئیس معارف (آموزش و پرورش) وقت باماندن او در شیراز مخالف بود، حمیدی با

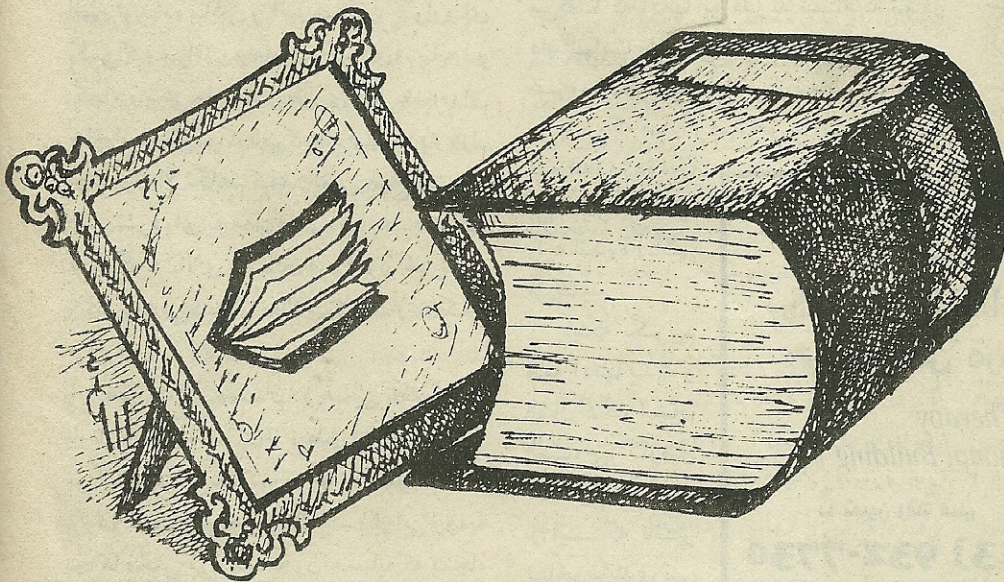
نظر گذراند. (۱)

این اواخر که به لطف یکی از دوستان کتابهای «پس از یک سال» و «اشک معشوق» شادروان دکتر حمیدی را از کتابخانه دانشگاه هاروارد برای مدت کوتاهی به عاریت گرفته و بار دیگر با دقت به مطالعه آن پرداختم، به تاریخهایی برخورد کردم که حافظه من در یادداشت آنها کمال عجز را از خود نشان داده بوده است. بنابراین بر آن شدم بدین وسیله آنها را اصلاح کنم، تا دوستان و علاقه‌مندان مجله عاشقانه که به گردآوری این مجله ارزشمند می‌پردازند و در آینده احتمالاً آنها را برای استفاده در اختیار دیگران قرار می‌دهند، بار گناه قلم حاضر را بر دوش حمل نکنند و اطلاعات نادرستی را به دیگران منتقل ن سازند.

بر اساس مندرجات این دو اثر و با استناد به تاریخ سرودن اشعار می‌توان درباره مهمترین سوانح زندگی شادروان حمیدی به ذکر نکات زیر پرداخت: مهدی حمیدی در

روزی که بنا به تشویق سردبیر محترم مجله عاشقانه نوشتن نوشتار دنباله دار «شیراز سالهای بیست» را شروع کردم، در همان آغاز کار از خوانندگان و صاحب قلمان همسن و سال خواستار شدم ضمن مطالعه این یادداشتها، هر کجا به قصور و تسامحی برخورد کردند، از راه مهر و محبت، که باید در وجود همه خوانندگان مجله عاشقانه سراغ کرد - وگرنه عاشقانه به سراغ «عاشقانه» نمی‌رفتند - بزرگوارانه صاحب این قلم را در جریان بگذارند، تا هم سهل انگاریهای احتمالی گذشته جبران شود و هم از وقوع اشتباهات مشابه آتی جلوگیری گردد، زیرا همان گونه که تذکر داده شده بود، مأخذ اصلی این نوشته‌ها، در گوشه غربت و وانفسای عدم دسترسی به منابع مورد اطمینان، حافظه خطا کار نویسنده بود و پس.

تا امروز تنها یکی از دوستان صاحب‌دل و عزیز بدین کار مبادرت ورزید و درخواست نگارنده را با لطف دائمی اش پذیرا شد، که از اقبال بد، او هم اکنون دیگر در میان ما نیست، و کسانی که به دقت این یادداشتها را از نظر گذرانیده باشند می‌دانند آن یک تن هم شادروان «نادرپور» بود که تلفنی چند لغزش نویسنده را یادآور شد که پاره‌ای از آنها در مجله منعکس و اصلاح گردید، (عاشقانه: ۱۷۸، ص ۸۶). نادرپور هم خود شاعر بود و هم با حافظه بی‌مانندش صاحب گنجینه اطلاعات ذیقیمتی درباره شعر، و بویژه شاعران هم عصر خود بود و تذکراتی هم که داد، یکی در ارتباط با شعری که به یاد فریدون توللی سروده شده بود، و دیگری مربوط به کتاب «پس از یک سال» دکتر حمیدی، که نگارنده به اشتباه از آن با نام «پس از ده سال» یاد کرده بودم. ولی همان گونه که به اطلاع دوستان رسانیده شد «پس از ده سال» عنوان قطعه‌ایست که شاعر بعد از رویارویی با معشوقه سابق، بعد از گذشت ده بهار از آغاز آشنائی، در کانون معرفت، واقع در اول خیابان لاله زار، در آن بعد از ظهر اواخر پائیز سال ۲۹، سروده، که اینک می‌توان آن را در ص ۴۱۱، چاپ دهم کتاب «اشک معشوق» از



متوسل شدن به علی اصغر حکمت که سالها کفیل و وزیر همان وزارتخانه بود در شیراز ماند. پس از آنکه معشوقه پیمان شکن به خانه بخت رفت، حمیدی در پنجم شهریور ۱۳۲۱ در تهران تن به ازدواج داد. ماده تاریخ ازدواج او مصرع دوم بیت مقطع قطعه‌ای است به نام «خنده جام»، که توسط یکی از دوستانش «سالار جنگ»، که عروسی در منزل او در تهران صورت گرفته بود، سروده شده است. مطلع قطعه چنین است:

شاعر شیرین زبان راد مهدی حمیدی

آن که همچون من دلش بر مهریار آکنده باشد
و مقطع آن به شرح زیر است:

کلک «سالار» از پی تاریخ این عشرت رقم زد

عیش و ناهید و حمیدی نباید پاینده باشد
که مصرع دوم به حساب ابجد معادل ۱۳۲۱ است. (۳)

از مطالب این دو اثر نمی‌توان به استخراج نام خانوادگی همسر شاعر پی برد. بنابراین نمی‌توان به ضرس قاطع گفت عروس منتسب به خانواده شاهزاده افسر بوده و یا خانواده سالار جنگ و یا از خانواده‌ای دیگر. حمیدی پس از ازدواج به شیراز بازگشت و در شهریور ماه ۱۳۲۳ برای همیشه شیراز را ترک کرد. حمیدی در سال ۱۳۲۴ برای ادامه تحصیل بار دیگر وارد دانشکده ادبیات شد و در آبان ماه سال ۱۳۲۸ با رساله‌ای تحت عنوان: شعر فارسی در قرن سیزدهم، به راهنمایی استاد فروزانفر با قید «بسیار خوب» به اخذ درجه دکترای ادبیات فارسی نائل گردید. (۴)

نخستین اثر او «شکوفه‌ها» یا «نغمه‌های جدید» است، که یادگار دوره تحصیلی او در دبیرستان و دانشگاه است و اشعار آن بیشتر به سبک متقدمین قصاید محکم و مفصل کلاسیک است، که ظاهراً در دوران تحصیل او در دانشگاه به چاپ رسید و مورد توجه اساتید وقت قرار گرفت. دومین اثر حمیدی که به دست چاپ سپرده شد، «پس از یک سال» است، که خودش درباره آن چنین می‌نویسد: «از ۲۹ شهریور ۱۳۱۷ تا ۱۹ دیماه ۱۳۱۸ (ایامی که در دانشکده افسری و دادگاه نظامی شیراز سرگرم بوده) مطلقاً شعری نگفته‌ام و اشعار این کتاب به مرور زمان پس از یک سال و چند ماه گفته شده است و به همین دلیل است که نام این کتاب را پس از یک سال گذاشته‌ام» (۵) این کتاب ظاهراً در سال ۱۳۱۹ منتشر شده است. (۶) مهمترین اثر او که حاوی شورانگیزترین اشعار عاشقانه اوست، همان «اشک معشوق» می‌باشد که نخستین بار در سال ۱۳۲۰ در شیراز منتشر شد و در ۱۳۶۷ به چاپ دهم رسید که در این فاصله در محتوای آن جرح و تعدیلهایی صورت گرفته است. پس از آن آثار دیگرش به ترتیب عبارتند از «عشق در بدر» (منتشر در سه جلد)؛ «سبکسریهای قلم» (نثر)؛ «زمزمه بهشت» (نظم)؛ و «سالهای سیاه». کتاب اخیر شامل اشعار سیاسی - اجتماعی - وطنی حمیدی است، که عمدتاً پس از سال ۲۳ و در تهران سروده شده است. جز این کتب نثر و نظم که همه تراوشات روح حساس او بوده،

حمیدی به تألیف و ترجمه هم دست زده که از جمله آنها می‌توان از «دریای گوهر» (سه جلد) // «بهشت سخن» (چهار جلد)؛ «عروض حمیدی» (قالیهای پولادین شعر فارسی)؛ «عطار در مثنویهای او و گزیده مثنویهای او»؛ «شاهکارهای فردوسی» (گزیده شاهنامه)؛ «پنج گنج نظامی» و ... نام برد. و از ترجمه‌هایش «ماه و شش پنی»، اثر: «سامرست موآم» است. در نقل اشعار حمیدی هم چون از ذهن صورت گرفته سهل انگاریهایی شده است، از جمله:

۱- عنوان غزلی که حمیدی در آن از پیمان شکنی معشوق یاد کرده «آیا پرسیده‌اید...؟!» است (۷) و مصرع اول مطلع آن باید بدین گونه تصحیح شود: ای سنبلی که بر سر آن گل شکسته‌ای!

۲- در قسمت سوم یادداشتها در شماره ۱۷۷، ص ۸۵ مجله عاشقانه، سه بیت نقل شده از قطعه‌ای است با عنوان: «هرجائی» و مصرع دوم بیت اول آن باید چنین تصحیح شود: نه دست عشق به یاری دهم نه دل به نگاری! و در بیت دوم هم در مصرع اول به جای «به تار گیسویی» باید «به تار طره‌ای» باشد. (۸)

۳- در همین قسمت بیتی که مخاطب آن ثریاست باید چنین اصلاح شود: ثریا بر این بام چشمک مزین، به جای: ثریا لب بام چشم مزین! (۹) چندین سال پیش استاد باستانی یاریزی در یکی از آثارش، که هر یک برای خود مثنوی هفتاد من کاغذ است و نامش اکنون در خاطرم نمانده است، اشاره به کار جالب یک مورخ فرانسوی کرده و نوشته بود: این دانشمند در اواخر زندگیش روزی به صرافت می‌افتد که تمام آثار چاپ شده خود را در دوران زندگی یک بار دیگر مرور کند و اشتباهات آنها را تصحیح نماید و از خوانندگان به مناسبت لغزشهای قلمی خود پوزش بطلبد. استاد باستانی هم در همان کتاب به همکار فرانسوی خود تأسی جسته و عین همین کار را، منتهی در مقیاس محدودتری درباره قسمتی از آثار خود انجام داده بود. اگر روزی واقعاً همه قلم به دستان تصمیم بگیرند بدین دو بزرگوار اقتدا نمایند و نوشتارهای خود را، پیش از اینکه مورد نقد و بررسی و احیاناً عیب جوئی دیگران قرار گیرد زیر ذره بین شخصی بگذارند، آن وقت باید گفت: «عالمی دیگر بیاید ساخت از نو...» دفتری!

۱۵ اپریل ۲۰۰۰

یادداشتها:

۱- دیوان حمیدی، جلد دوم: «اشک معشوق»، شرکت انتشاراتی پازنگ، چاپ دهم، تهران، ۱۳۶۷، ص ۴۱۱.

۲- همان منبع، ص ۵۵۸.

۳- همان منبع، ص ۲۸۸.

۴- مجله بخارا، شماره ۷۵-۷۳، یادواره استاد بدیع الزمان فروزانفر، ص ۲۰۰.

۵- دیوان حمیدی، جلد اول، پس از یک سال، شرکت انتشاراتی پازنگ، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۷، ص ۳۲.

۶- همان منبع، ص ۹۲.

۷- اشک معشوق، ص ۳۱۰.

۸- همان منبع، ص ۹۴.

۹- همان منبع، ص ۲۹۷.